



ماه

رمضان



اللهم اجعلني فيه من المستغفرين واجعلني فيه من عبادك الصالحين القانتين واجعلني فيه من أوليائك المقربين برأفتك يا رحيم الرحمن.

خدایا قرار بده مرا در این روز از آمرزش جویان و قرار بده مرا در این روز از بندگان شایسته و فرمانبردارت و قرار بده مرا در این روز از دوستان نزدیک به مهربانی خودت ای مهربان ترین مهربانان

اخلاق: مراحل مبارزه بانفس (۲)

- ۱. مشارطه:** یکی از مراحل حساس خودسازی و مبارزه با نفس در مسیر سالکان الی الله «مرباطه» است که بدون عبور از آن نقطه راه تکامل به نتیجه نمی‌رسد. مرباطه در لغت به معنای «به یکدیگر پیوستن» و در اصطلاح اهل سلوک به معنای «به خود پیوستن»، «مراقب خود بودن» و «پیوسته نگران احوال خویشتن» است. مرباطه دارای چهار مرحله است که یکی از آنها «مشارطه» است. مشارطه که آن را «معاهده» نیز می‌گویند، عبارت است از: شرط و تعهد انسان بر ترک معصیت و انجام دادن تکالیف و ادای وظایف و ایفای مسؤولیتها و پایبندی به عهد پیمانی که بسته است. در قرآن بر التزام به تعهدات که بالاترین آنها تعهد به خداست، تاکید فراوان شده است. از جمله: «أوفوا بعهد الله إذا عاهدتم».
- حضرت امام تثنی در باره مشارطه چنین می‌فرماید: «مشارطه آن است که در اول روز مثلاً با خود شرط کند که امروز برخلاف فرموده حق تبارک و تعالی رفتار نکند و این مطلب را تصمیم بگیرد و معلوم است که یک روز خلاف نکردن امری خیلی سهل و آسان است و انسان براحته می‌تواند از عهده آن بر آید».
- ۲. مراقبه:** پس از آن که انسان با خود عهد و پیمان بست که خلاف نکند، باید در تمام اوضاع و احوال مراقب خود باشد. مبدا بر اثر غفلت و سهل انگاری عهد و پیمانی که بسته است، بشکند و به وسوسه‌های شیطان و نفس اماره دل بسپارد. حقیقت مراقبت آن است که هیچ‌گاه خدای را فراموش نکنیم و به اعمال و اذکاری که ما را به یاد خدا می‌دارد مداومت داشته باشیم و به هر کاری رنگ خدایی بزنیم.
- حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «ینبغي ان يكون الرجل مهيمناً على نفسه، مراقباً قلبه، حافظاً لسانه»؛ سزاوار است که انسان بر خویش اشراق داشته و همیشه مراقب قلب خود و نگهدار زبان خویشتن باشد.
- حضرت امام تثنی می‌فرماید: «انسان باید مثل طیب و پرستار مهربان از حال خود مواظبت نماید و مهار نفس سرکش را از دست ندهد که به مجرد غفلت مهار بگسلد و انسان را به خاک مذلت و هلاکت کشاند و در هر حال به خدای پناه برد از شر شیطان و نفس اماره».
- ۳. محاسبه:** یعنی حسابرسی و بازنگری نسبت به گذشته و تعهد نسبت به آینده.
- محاسبه آن است که انسان هر روز از خود حسابرسی کند که چه طاعتی یا معصیتی مرتکب شده است. اگر طاعتی داشته بر آن بیفزاید و اگر گناهی مرتکب شده در جبران آن بکوشد. بسیاری از مردم بر اثر غفلت ماه‌ها و سال‌ها به حساب خود نمی‌رسند؛ گویی اصلاً کاری نکرده‌اند، غافل از این که خداوند برای هر فردی پرونده‌ای ترتیب داده و روز قیامت این پرونده مورد بررسی قرار می‌گیرد: «اقرأ كتابك كفي بنفسك اليوم عليك حسيباً» [این همان نامه اعمال اوست، به او می‌گوییم:] کتابت را بخوان! کافی است که امروز خود حسابگر خود باشی».
- امام هفتم، حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌فرماید: «از ما نیست کسی که هر روز نفس خود را به محاسبه نکشد. اگر عمل نیک انجام داده بر آن بیفزاید و اگر کار زشتی مرتکب شده از خدا آمرزش بخواهد و به سوی او بازگردد؛ یا هشام! لیس منا من لم يحاسب نفسه في كل يوم فان عمل حسناً
- استزاد منه و ان عمل سيئاً استغفر الله منه و تاب اليه»
- ۴. تذکر:** یعنی به یاد عظمت پروردگار بودن و نعمت‌های او را متذکر شدن و توجه داشتن به این که انسان در محضر خداست و باید از گناه پرهیزد، و بداند در هر حال خدا با اوست، که قرآن می‌فرماید: «يا ايها الذين امنوا اذكروا الله ذكراً كثيراً؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را زیاد یاد کنید».
- امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «و ان للذكر لاهلاً اخذوه من الدنيا بدلاً فلم تشغلهم تجارة و لا بيع عنه ...»؛ بدرستی که یاد خدا اهلی دارد که آن را به جای زرق و برق دنیا برگزیده‌اند و هیچ تجارت و داد و ستدی آن‌ها را از یاد او باز نمی‌دارد.
- ۵. معاتبه یعنی انتقاد از خویشتن.**
- در این مرحله انسان باید شخصاً خود را مورد عتاب و خطاب و سرزنش قرار بدهد و بدین وسیله خویشتن را برای جبران نواقص و رفع رذایل آماده سازد.
- حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «... طوبى لمن شغله عيبه عن عيوب الناس...؛ خوشا به حال آن که عیب‌هایش او را از عیوب دیگران (مردم) باز دارد»
- یعنی آن قدر گرفتار عیوب خود باشد که فرصت پرداختن به عیب‌های مردم را نداشته باشد.

۱. نحل / ۹۱.

۲. روح الله خمینی، چهل حدیث (اربعین حدیث).

۳. عبدالواحد آمدی، شرح غرر آمدی، ج ۲، ص ۳۹۳.

۴. روح الله خمینی، چهل حدیث، ص ۲۳۸.

۵. اسراء، ۱۴.

۶. حسن بن علی حرانی، تحف العقول، ص ۲۹۲.

۷. احزاب / ۴۱.

۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

لطفیه قرآنی

سلطان محمود غزنوی، برای خود قبری ساخت و به یکی از نوکران گفت: آیه‌ای مناسب پیدا کن تا بر روی سنگ قبر حک کنیم.

نوکر گفت: قربان! بنویسید: «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» این همان دوزخی است که به شما وعده داده می‌شد.

گل واژه وصال

دلی را نشکن، شاید خانه خدا باشد. کسی را تحقیر نکن، شاید محبوب خدا باشد. از کمکی دریغ مکن، شاید کلید بهشت باشد.

به اطلاع کارمندان محترم می‌رسانیم بعد از عید سعید فطر، مسابقه‌ای از مجموع این تک‌نگاره‌ها که انشاءالله به صورت روزانه هنگام نماز ظهر و عصر توزیع خواهد شد، برگزار و جوایز نفیسی اهداء خواهد شد.
(بنابر این در جمع‌آوری و مطالعه این تک‌نگاره‌ها دقت لازم را داشته باشید.)

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (ع): مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ؟

روزهداری که زبان و گوش و چشم و جوارح خود را حفظ نکرده روزهاش به چه کارش خواهد آمد». بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۵

پنجره‌ای روبه آسمان

الهی از نماز و روزهام توبه کردم بحق اهل نماز و روزهات توبه این نااهل را بپذیر.

الهی بفضلت سینه بی‌کینهام دادی بجودت شرح صدرم عطا بفرما.

الهی اگر چه درویشم ولی دارا تر از من کیست که تو دارایی منی. الهی در ذات خودم متحیرم تا چه رسد در ذات تو.

الهی بلطف دنیا را از من گرفته‌ای بکرم آخرت را هم از من بگیر.

الهی حسنم کردی احسنم گردان.

الهی همه از گناه توبه می‌کنند و حسن را از خودش توبه ده. الهی اگر ستار العیوب نبودی ما از رسوایی چه می‌کردیم.

الهی سالیانی می‌پنداشتم که ما حافظ دین توایم استغفرک اللهم، در این لیلۃ الرغائب هزار و سیصد و نود فهمیدم

که دین تو حافظ ما است احمدک اللهم.

الهی چون تو حاضری چه جویم و چون تو ناظری چه گویم. الهی چگونه گویم نشناختمت که شناختمت و چگونه گویم

شناختمت که نشناختمت.

الهی از روی آفتاب و ماه و ستارگان شرمندهام از انس و جان شرمندهام حتی از روی شیطان شرمندهام که همه در

کار خود استوارند و این سست عهد ناپایدار.

الهی آزمودم تا شکم دائر است دل بائر است «یا من یحیی الارض المیتة» دل دائرم ده.

الهی همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد.

الهی آن خواهیم که هیچ نخواهم.

الهی اگر تقسیم شود به من بیش از این که دادی نمی‌رسد فلک الحمد.

الهی همه گویند بده، حسن گوید بگیر.

الهی‌نامه علامه حسن زاده آملی

در لحظه تفحص شهدا

کمی دقت نمی‌کردی، بیل مکانیکی به گل می‌نشست.

زمان می‌گذشت، اما خبری از شهدا نبود.

داشتیم با خودم حرف می‌زد: «خدایا من هم با این‌ها بودم، چی شد این‌ها را انتخاب کردی؟ مگه ما آدم بدا دل نداریم؟ خدایا

این‌ها چی داشتند که ما از اون بی‌بهره بودیم؟!»

توی پاکت بیل، یک تکه پارچه قرمز رنگ توجهم رو جلب کرد. دویدم و برداشتمش. گلها را از روی آن پاک کردم. جواب سؤالم

بود! رویش نوشته بود: «عاشقان شهادت»!

«وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» از رحمت خدا مأیوس نباشید که همانا از رحمت خدا جز کافران

مأیوس نمی‌باشند».

یوسف آیه ۶۷

توصیه‌هایی از آیت الله بهجت

راستگویی در دیدن رویای صادق و صفای روح خیلی موثر است.

دلیل عقب‌ماندگی ما آن است که اموال شبهه‌ناک مصرف می‌کنیم، و مال شبهه‌ناک، ایجاد تردید و شبهه می‌کند.

توسلات خیلی نافع است. به این امام‌زاده‌ها زیاد سر

بزنید! این بزرگواران همچون میوه‌ها که هر کدام یک ویتامین خاصی دارند، هر کدامشان خواص و آثاری دارند.

خدا می‌داند یک صلواتی را که انسان بفرستد و

برای میتی هدیه کند، چه معنوبتی، چه صورتی، چه واقعیتی برای همین یک صلوات است.

برگرفته از کتاب دُرْدانه

ملائکه صدای ما را ضبط می‌کنند، هم از گفتار ما، هم از اصل و نیت گفتار ما که به داعی الهی صادر شده

است، یا نفسانی و شیطانی، عکس‌برداری می‌کنند.

اگر کسی طالب هدایت و معرفت خدا باشد و در طلب، جدی و خالص باشد، در و دیوار باذن الله هادی او خواهند بود.

تمام لذت‌ها روحی است و آنچه از لذات در طیب(عطر) و یا از راه نساء به صورت حلال تکویناً مطلوب است، بیش از آن و به مراتب بالاتر، در

نماز است.

هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب شود، برای نجات مومنین و مومنات دعا کند، تا دعای مَلَك

که مورد استجاب است، یقیناً مشمول حال او شود.

مکروهات روزه

۶. تر کردن لباسی که در بدن است.

۷. کشیدن دندان و هر کاری که به واسطه آن از دهان، خون بیاید.

۸. مسواک کردن با چوب تر.

۹. سخن بیهوده گفتن، یعنی کلامی که فایده دینی برای او ندارد مکروه است همچنین

گوش دادن به چنین کلامی کراهت دارد.

۱۰. سفری که به خاطر فرار از روزه باشد، مکروه است.

۱. دوا ریختن به چشم.

۲. سرمه کشیدن در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد.

۳. انجام دادن هر کاری که باعث ضعف شود؛ مثل خون گرفتن و حمام رفتن .

۴. انفیه کشیدن اگر نداند که به حلق می‌رسد، مکروه می‌باشد ولی اگر بداند به حلق می‌رسد، جایز نیست.

۵. بو کردن گیاه‌های معطر.

تکرار پیوسته آیات قرآن

امام سجاد (ع) هنگامی که سوره حمد را قرائت می‌کردند به آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» می‌رسیدند، آن قدر این آیه را با خضوع و ویژه‌ای تکرار می‌کردند، که نزدیک بود جانشان به لب رسد، و آن حضرت

آنچنان با صدای زیبا و شیوا قرآن می‌خواندند که وقتی سقاها «آب رسان ها» از کنار خانه‌اش عبور می‌کردند، همان جا توقف می‌نمودند تا صدای دلنشین آن حضرت را بشنوند.

امام صادق (ع) با حالت ملکوتی خاصی آیات قرآن را در نماز تلاوت می‌کردند، که از حال عادی خارج می‌شدند، روزی چنین حادثه‌ای رخ داد، هنگامی که حالت عادی خود را باز یافتند، حاضران

پرسیدند: این چه حالی بود که به شما دست داد؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: پیوسته آیات قرآن را تکرار کردم، تا اینکه به حالتی رسیدم که گوئی آن آیات را به طور مستقیم، از زبان نازل

کننده قرآن شنیده‌ام.

حضرت رضا (ع) آنچنان با قرآن انس و الفت داشتند که در هر سه روز، یک بار تمام قرآن را تلاوت می‌کردند و می‌فرمودند: اگر خواسته باشم که در کمتر از سه روز، قرآن را ختم کنم، می‌توانم ولی هرگز هیچ آیه‌ای را نخوانده‌ام، مگر این که در معنای آن اندیشیده‌ام و درباره اینکه

آن آیه در چه موضوع، و در چه وقت نازل شده فکر کردم، از این رو در هر سه روز همه قرآن را تلاوت می‌کنم و گرنه کمتر از سه روز همه قرآن را تلاوت می‌کردم.

معارف در مناسبت‌های اسلامی: ص ۹۱ - بحار الانوار: ج ۸۴، ص ۲۴۸ - اصول کافی: ج ۲، ص ۶۰۲